



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

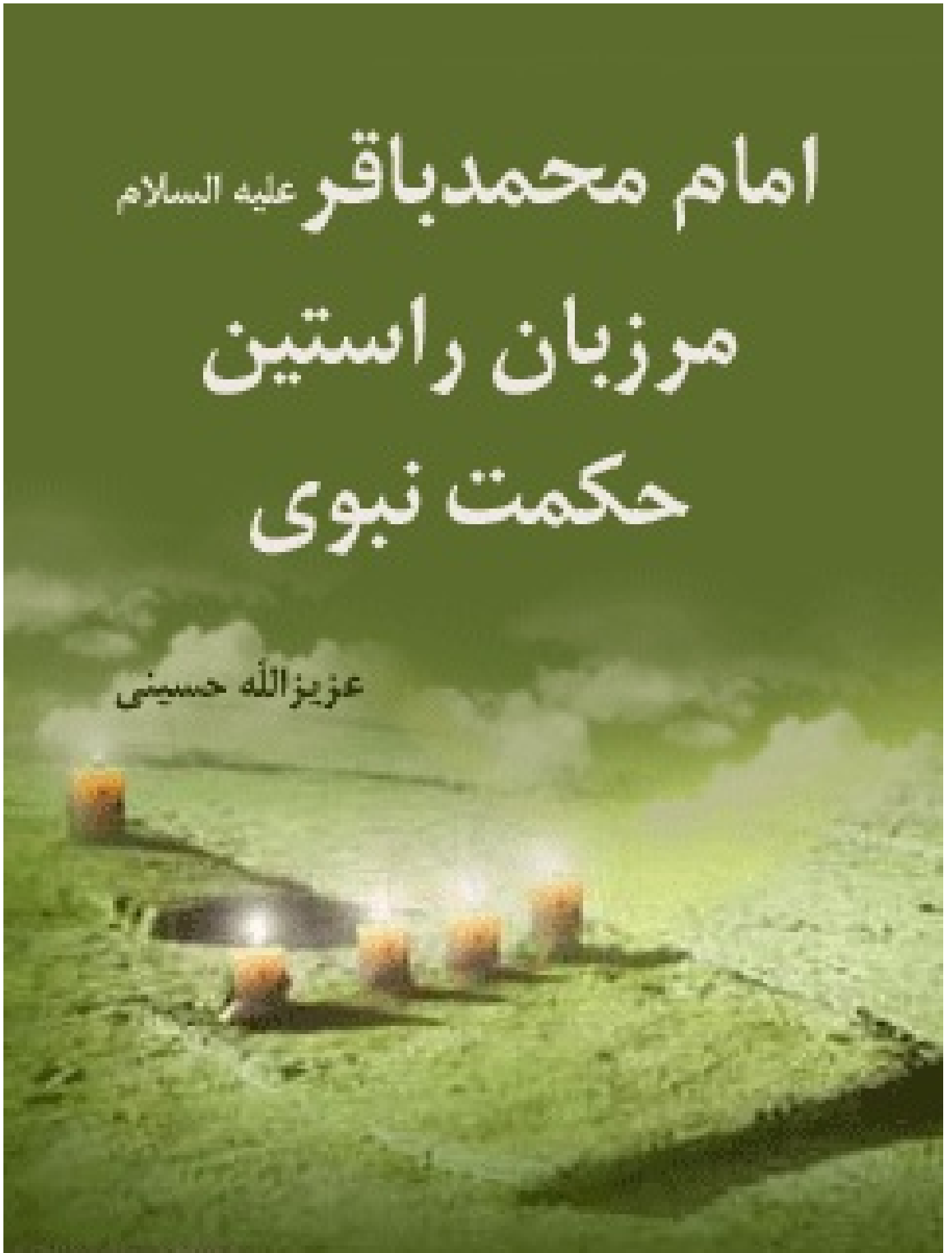
www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام محمد باقر عليه السلام

مرزبان راستین

حکمت نبوی

عزیز الله حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام محمد باقر علیه السلام مرزبان راستین حکمت نبوی

نویسنده:

عزیز الله حسینی

ناشر چاپی:

روزنامه قدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ امام محمد باقر علیه السلام مرزبان راستین حکمت نبوی
۶ مشخصات کتاب
۶ مرزبان راستین حکمت نبوی
۷ نهضت بزرگ علمی
۹ مؤلفه های شیعه از منظر امام
۱۰ شهادت حضرت امام محمد باقر
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام محمد باقر علیه السلام مرزبان راستین حکمت نبوی

مشخصات کتاب

مؤلف: عزیز الله حسینی

روزنامه قدس

برگرفته از:

مرزبان راستین حکمت نبوی

چهار سال قبل از وقوع رخداد عاشورا؛ در سال ۵۷ هجری، پنجمین اختر علم و معرفت؛ امام محمد باقر (ع) در آسمان امامت و ولایت دیده به جهان گشود. نام مبارک آن بزرگوار محمد، و لقب مشهور ایشان باقر است که پیام آور نور و رحمت، رسول گرامی اسلام (ع) آن حضرت را طی روایاتی به این لقب ملقب فرمود. کنیه مشهور آن حضرت، ابی جعفر و عمر مبارک ایشان نیز همچون عمر پدر بزرگوار و جد بزرگوارشان حسین (ع) ۵۷ سال بود. چهار سال از عمر گرنامه‌ی ایشان در سایه جدش، سبط شهید پیامبر، سپری شد و از صبغه الهی که در زندگی امام حسین تجلی یافته بود، برخوردار گشت. امام پس از واقعه عاشورا ۱۹ سال و ۶۰ روز در سایه پدر بزرگوارش، سیدالسادین، به سر برد. از همان روزهای آغازین حیاتش، خطوط امامت در سیمایش آشکار بود. در روایتی امام صادق (ع) از امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: روزی بر جابر بن عبدالمطلب... انصاری وارد شدم، پس بر او سلام کردم، و او جواب سلام داده و پرسید: کیستی؟ و این در حالی بود که جابر نابینا شده بود. من گفتم: محمد بن علی بن الحسین هستم، جابر گفت: پسر جان پیش بیا، من به نزدیک او رفتم و او دست مرا بوسید، سپس خواست پای مرا ببوسد من نگذاشتم، بعد گفت: رسول خدا (ص) تو را سلام رسانیده، من گفتم: درود و رحمت و برکات خدا بر رسول او باد، ای جابر چگونه رسول خدا (ص) به من سلام رسانید؟ گفت: روزی خدمت آن حضرت بودم، به من چنین فرمود: ای جابر شاید تو زنده بمانی تا مردی از فرزندان مرا دیدار کنی که نامش محمد بن علی بن الحسین است، که خدا نور و حکمت بدو بخشید، پس ای جابر سلام مرا به او برسان. هنگامی که خورشید اقتدار بنی امیه افول کرد و پایه‌های حکومت آنان در اثر انقلابهای پیاپی مکتبی، هر روز سست تر از روز پیش می‌شد، حضرت امام محمد باقر (ع) فرصت نشر معارف قرآنی را پیدا کرد. این معارف در صحیفه‌ای گردآمده بود که اهل بیت هر یک آن را از رسول خدا (ص) به ارث برده بودند. و در این روزگار جامعه اسلامی که دامنه آن بسیار گسترش یافته و به مثابه چادری بزرگ ملتهای گوناگون و فرهنگهای مختلف را در خود جای داده بود، به معارف قرآنی بیش از پیش نیاز داشت، اگر تا دیروز امام سجاد (ع) از طریق نیایشها و راز و نیازهایش با خداوند پرچم توحید را بر می‌افراشت، امروز حضرت امام محمد باقر (ع) این شالوده توحیدی را با بیان بسیاری از مسایل حکمت الهی و تفسیر و فقه تکمیل می‌کند. در دوران امامت این بزرگوار حاکمان اموی به دلیل تعارضهای داخلی از نهضت عظیم علمی آن حضرت غافل بودند، ولی این مسأله به معنای در امان بودن آن امام نیست؛ بلکه گستره وسیعی از روایات گویای اوضاع خشونت آمیز آن دوره، و ظلم و تجاوز حاکمان وقت نسبت به دین، مسلمانان و امام آنان است، به گونه‌ای که امام (ع) بارها تقیه می‌کرد و سرانجام نیز بر سر تعارضهای مبنایی با نظام خلافت ظالمانه، توسط هشام به شهادت رسید. نگاهی به سیمای حاکمان وقت، بخشی از عصر سیاسی این دوره را بیش از پیش روشن خواهد کرد. مسعودی در خصوص دوره‌ای که مروان بن حکم در آن حکومت می‌کرد می‌نویسد: مؤمنان در عصر او، در خفا به سر می‌بردند و زندگی بر مردم مشقت بار شده بود. شیعیان در معرض خطر جدی بودند و خون و مالشان حرمت نداشت و به علی بن ابی طالب (ع) در محافل عمومی آشکارا دشنام داده می‌شد. عبدالملک مروان که قبل از خلافت، خود را قرآن دوست معرفی

می کرد، هنگام آغاز حکومت، خطاب به قرآن کریم گفت: این آخرین دیدار من با تو است. وی افرادی مثل حجاج بن یوسف ثقفی را بر مردم و شیعیان مسلط کرد. ولید بن عبدالملک نیز باعیش و نوش بزرگ شد و فردی ستمگر و جبار بود. در فاصله ۲۰ ساله ای که او بر سر قدرت بود، کسانی که با شکنجه در حکومت او کشته شدند، ۱۲۰ هزار نفر برآورد شده است. در همین دوره است که افرادی چون سعید بن جبیر به جرم طرفداری از اهل بیت (ع) شهید شد و امام سجاد (ع) به واسطه سمی که ولید دستور داده بود، به شهادت رسید. حکومت سلیمان بن عبدالملک نیز که ابتدا با سخن گفتن از حاکمیت خدا و رضایت او همراه بود، به گونه ای دیگر تغییر هویت داد. در عصر وی، امر امامت پنهان بود و شرایط اجازه نمی داد که شیعیان با امام خود - باقر العلوم (ع) - ارتباط علنی داشته باشند. گرچه عمر بن عبدالعزیز گامهایی در کاستن از فشارهای سیاسی، اجتماعی بر شیعیان برداشت، فدک را به اهل بیت برگرداند، به موعظه های امام باقر (ع) توجه می کرد و رسم دشنام دادن به علی (ع) را برانداخت. با این همه، غاصب جایگاه امامت بود. حضرت باقر (ع) در حق او می فرمود: این جوان روزی به فرمانروایی می رسد و روش عادلانه از خود آشکار می سازد، چهار سال زندگی می کند و سپس مرگش فرا می رسد. زمینیان بر او می گریند و آسمانیان نفرینش می کنند. ابوبصیر می گوید: پرسیدم: مگر نفرمودید که عدل پیشه می کند؟ فرمود: آری! ولی بر جایگاهی که از آن ما و شایسته ماست تکیه می زند، در حالی که هرگز حقی ندارد. بله! او در جایگاهی که غضب می کند به اظهار عدل می پردازد. با مرگ عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک جوانی ۲۵ ساله، خلیفه شد در این دوره شدیدترین روش ها را علیه شیعه به کار بردند و کینه ها را نسبت به علی (ع) و خاندان او آشکار ساختند. وی از کینه توزان علیه امام باقر (ع) بود. در مقطعی دیگر هشام بن عبدالملک زمام فرمانروایی را به دست گرفت مردی خشن، درشت خو و مال اندوز که بخل، ستمگری و بی عاطفگی از خصوصیات بارزش بود. دوران او از نظر سیاسی، سخت ترین دوره بر امام باقر (ع) بود. تنها در این دوره بود که امام به مرکز خلافت احضار می شد. شهادت زید بن علی بن حسین (ع) در این دوره واقع شد و امام باقر (ع) نیز در این دوره به شهادت رسید. امام پنجم در چنین فضایی برای احیای ارزشهای دینی و انجام وظیفه پاسداری از ارزش ها، و به تناسب موقعیت، از راه ها و شیوه های مختلفی بهره جست؛ یکی از این شیوه ها تقیه بود. این امر به دلایل متعددی همچون حفظ جان نیروهای خودی، حفظ توان اقتصادی خودی ها، اجرای برنامه های مهمتر، حفظ ارزشها و... صورت می گرفت و امام با رعایت این اصل، حرکت سری خود در تداوم وظیفه امامت را طی می کرد. ترسیم وظایف حاکم اسلامی شیوه دیگری بود که امام می کوشید با تبیین وظایف حاکمان، با تاکید بر آن انتقاد خود را متوجه حاکمان وقت سازد و عدم مشروعیت اقدامات آنان را گوشزد کند. مثلاً می فرمود: «بنی الاسلام علی خمسۃ اشیاء: علی الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولایة، اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت». زراره پرسید: کدام افضل است؟ فرمود: «الولایة افضل لانها مفتاحهن و الوالی هو الدلیل علیهن؛ ولایت برتر است؛ چون کلید آنهاست و والی (امام) راهنمایی کننده بر آنهاست». مبارزه رو در رو شیوه دیگری بود که ایشان در مواجهه با خصومت و کینه توزی جابران زمانه خویش در پیش گرفت؛ امام باقر (ع) از یک سو قیامهای ضد حکومتی مانند قیام زید، مختار، کمیت و... را تأیید می کرد و از سوی دیگر، در موقعیتهای مناسب، خود با خلفا به رویارویی جدی می پرداخت. آن حضرت می فرمود: «من مشی الی سلطان جائر فامرہ بتقوی الله و خوفه و وعظه کان له مثل اجر الثقلین من الجن و الانس و مثل اعمالهم؛ هر کس به سوی سلطان ستمگری برود، و او را به تقوای الهی فرمان دهد، و او را بترساند و موعظه کند، مانند پادشاه جن و انس و مانند اعمال آنان را خواهد داشت» آن حضرت با زیر سوال بردن مشروعیت حاکمان جور، راه را بر قیام علیه آنان هموار می کرد. امام (ع) می فرماید: «ان ائمة الجور و اتباعهم لمعزولون عن دین الله؛ پیشوایان ستمگر و پیروان آنها از دین خدا برکنار شده اند».

بی تردید امام باقر (ع) در زمان حیات خویش شهرت بسیاری داشته و همواره محضر او از دوستدارانش، از تمامی بلاد و سرزمین های اسلامی پر بوده است. موقعیت علمی ایشان به مثابه شخصیتی عالم و فقیه، به ویژه به عنوان نماینده علوم اهل بیت، بسیاری را و می داشت تا از محضر او بهره گیرند و حل اشکالات علمی و فقهی خود را از او بطلبند. در این میان، اهل عراق که بسیاری از آنان شیعه بودند، بیش از دیگران مفتون شخصیت آن حضرت شده بودند. مراجعه کنندگان، خضوعی خاص نسبت به شخصیت علمی امام داشتند، چنانکه عبدالله بن عطاء مکی گوید: علما را در محضر هیچ کسی کوچکتر از زمان حضور در محضر امام باقر (ع) ندیدم. «حکم بن عتیبه» با تمام عظمت علمی اش در میان مردم، در برابر آن حضرت مانند دانش آموزی در مقابل معلم خود به نظر می رسید. شهرت علمی امام، در حد تعبیر ابن عنبه، مشهورتر از آن است که کسی بخواهد آن را بیان کند. این شهرت در زمان خود ایشان، نه تنها در حجاز بلکه حتی در عراق و خراسان نیز به طور گسترده فراگیر شده بود. شیخ مفید می نویسد: از هیچ کدام از فرزندان امام حسن و امام حسین (ع) این اندازه از علم دین و آثار و سنت و علم قرآن و سیره و فنون ادب که از امام باقر (ع) صادر شده، ظاهر نشده است. بسیاری از دانشمندان از آن حضرت کسب علم کرده و به او اقتدا نموده بودند و گفتار آن حضرت را پیروی می کردند و از فقه و دلایل روشنی بخش حضرتش در توحید و فقه و کلام کمال استفاده را به عمل می آوردند. امام باقر (ع) طی مدت امامت خود، در همان شرایط نامساعد، به نشر و اشاعه حقایق و معارف الهی پرداخت و مشکلات علمی را تشریح نمود و جنبش علمی دامنه داری به وجود آورد که مقدمات تأسیس یک «دانشگاه بزرگ اسلامی» را که در دوران امامت فرزند گرامیش امام صادق (ع) به اوج عظمت رسید، پی ریزی کرد. ایشان در علم، زهد، عظمت و فضیلت سرآمد همه بزرگان بنی هاشم بود و مقام بزرگ علمی و اخلاقی او مورد تصدیق دوست و دشمن بود. به قدری روایات و احادیث، در زمینه مسایل و احکام اسلامی، تفسیر، تاریخ اسلام، و انواع علوم، از آن حضرت به یادگار مانده است که تا آن روز از هیچ یک از فرزندان امام حسن و امام حسین (ع) به جا نمانده بود. رجال و شخصیت‌های بزرگ علمی آن روز، و نیز عده ای از یاران پیامبر (ص) که هنوز در حال حیات بودند، از محضر آن حضرت استفاده می کردند. «جابر بن یزید جعفی» و «کیسان سجستانی» (از تابعین) و فقهایمانند: «ابن مبارک»، «زهری»، «اوزاعی»، «ابوحنیفه»، «مالک»، «شافعی»، «زیاد بن منذر نهدی» از آثار علمی او بهره مند شده سخنان آن حضرت را، بی واسطه و گاه با چند واسطه، نقل نموده اند. کتب و مؤلفات دانشمندان و مورخان اهل تسنن مانند: طبری، بلاذری، سلامی، خطیب بغدادی، ابونعیم اصفهانی، و کتبی مانند: موطا مالک، سنن ابی داود، مسند ابی حنیفه، مسند مروزی، تفسیر نقاش، تفسیر زمخشری، و دهها کتاب دیگر، که از مهمترین کتب جهان تسنن است، مملو از سخنان پرمغز پیشوای پنجم است و همه جا جمله: «قال محمد بن علی» و یا «قال محمد الباقر» به چشم می خورد. کتب شیعه نیز در زمینه های مختلف سرشار از سخنان و احادیث حضرت باقر (ع) است و هر کس کوچکترین آشنایی با این کتابها داشته باشد، این معنا را تصدیق می کند. آوازه علوم و دانشهای امام باقر (ع) چنان اقطار اسلامی را پر کرده بود که لقب «باقرالعلوم» (گشاینده دریچه های دانش و شکافنده مشکلات علوم) به خود گرفته بود. «ابن حجر هیثمی» می نویسد: «محمد باقر به اندازه ای گنجهای پنهان معارف و دانشها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمتها و لطایف دانشها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده و جامع علوم، و برافرازنده پرچم دانش خوانده اند». «عبدالله بن عطاء که یکی از شخصیت‌های برجسته و دانشمندان بزرگ عصر امام بود، می گوید: «من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمد بن علی (ع) از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیبه» را که در علم و فقه مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت محمد باقر (ع) مانند کودکی در برابر استاد عالی مقام، زانوی ادب بر زمین زده شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او گردیده بود». امام باقر (ع) در سخنان خود، اغلب به آیات قرآن مجید استناد نموده از کلام خدا شاهد می آورد و می فرمود: «هر مطلبی گفتم، از من پرسید که در کجای قرآن است تا آیه مربوط به آن موضوع را معرفی کنم» در مکتب امام ابوجعفر باقرالعلوم شاگردانی نمونه و ممتاز پرورش یافتند.

«ابان بن تغلب» یکی از پرورش یافتگان مکتب امام باقر (ع) او محضر سه امام - امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق را درک نمود. «ابان» از شخصیت‌های علمی عصر خود بود و در تفسیر، حدیث، فقه، قرائت و لغت تسلط بسیاری داشت. والایی دانش ابان چنان بود که امام باقر به او فرمود: در مسجد مدینه بنشین و به رأی مردم فتوا بده، زیرا دوست دارم مردم فردی چون تو را در میان شیعیان ما ببینند. زراره یکی دیگر از این شاگردان بنام است. دانشمندان شیعه از میان شاگردان امام باقر و امام صادق شش تن را فقیه تر می‌شمردند که زراره یکی از آنها است. از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: اگر «برید بن معاویه»، «ابوبصیر»، «محمد بن مسلم» و «زراره» نبودند، آثار پیامبر (معارف شیعه) از میان می‌رفت، آنان بر حلال و حرام خدا امین هستند. باز فرمود: برید، زراره، محمد بن مسلم و احوال در زندگی و مرگ، نزد من محبوب‌ترین مردمان هستند. «کمیت اسدی» را نیز باید به این گروه افزود: شاعری سر آمد بود و زبان گویایش در دفاع از اهل بیت، اشعاری پر مغز می‌سرود. اشعارش چنان کوبنده و رسواگر بود که پیوسته از طرف خلفای اموی تهدید به مرگ می‌شد. «عبدالرحمن حجاج» از امام صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود: محمد بن منکدر (یکی از دانشمندان اهل سنت) می‌گفت: باور نداشتم علی بن الحسین فرزندی به یادگار گذارد که فضل و دانشش مانند خود او باشد تا اینکه پسرش محمد بن علی را دیدم، پس من خواستم او را موعظه کنم و اندرز دهم، ولی او مرا موعظه کرد، اصحابش به او گفتند: به چه چیز ترا موعظه کرد؟ گفت: من در ساعتی که هوا بسیار گرم بود به سوی جایی از اطراف مدینه بیرون رفتم، در راه به محمد بن علی برخوردم و او مردی تنومند بود دیدم پر دوش دو غلام خود تکیه زده بود، من با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم با این حال برای به دست آوردن مال دنیا بیرون آمده، هم اکنون او را موعظه خواهم کرد. به همین قصد نزدیک او شدم و گفتم خدای کارت را اصلاح کند، بزرگی از بزرگان قریش در این گرما با این حال از خانه در طلب دنیا بیرون آمده، اگر مرگ ترا در این حال دریابد چه خواهی کرد؟ آن حضرت دست از روی دوش آن دو غلام برداشت و روی پا ایستاد و گفت: به خدا قسم اگر مرگ مرا در این حال دریابد، در حال طاعت و عبادت خداوند از دنیا رفته‌ام، زیرا در این گرما کار می‌کنم برای آنکه دست خویش به سوی مردم و امثال تو دراز نکنم، بلی من تنها از یک حالت می‌ترسم، و آن حالی است که مرگ مرا دریابد و در حال معصیتی از معاصی خداوند متعال باشم، پس به آن حضرت گفتم: خدای ترا رحمت کند خواستم تو را موعظه کنم، لکن تو مرا پند دادی.

مؤلفه های شیعه از منظر امام

امام (ع) شیعیان خود را با چنین سخنانی توصیف می‌فرماید: «همانا که شیعیان ما، شیعیان علی، با دست و دل گشاده و از سرگشاده دستی و بی‌ریایی از ما طرفداری می‌کنند و برای زنده نگاهداشتن دین، متحد و پشتیبان ما هستند. اگر خشمگین گردند، ستم نمی‌کنند و اگر خرسند باشند از اندازه نمی‌گذرند. برای آن کس که همسایه آنان باشد برکت دارند و با هر کس که با آنان مخالف باشد طریق مسالمت پیش می‌گیرند». در روایتی آمده است که حضرت باقر (ع) همراه با حضرت صادق که همراه امام آمده بود، حج بیت الله به جای آوردند. وقتی به مسجد الحرام رسیدند، هزاران نفر در مسجد گرد آمدند. امام صادق (ع) با وجود حضور هشام بن عبد الملک، در محضر پدر بزرگوار خود ایستاد و مفهوم شیعه اهل بیت را با وضوح تمام برای حاضران به شرح باز گفت. او آشکارا و با بیانی روشن توضیح داد که شیعیان کسانی هستند که دارای این صفات و خصوصیاتند و آنان اصحاب روحانی و اجتماعی در جامعه می‌باشند و وارثان حقیقی اهل بیتند. این آشکارا گویی و صراحت در سطح توده مردم و در حضور هشام بن عبد الملک، ماجراجویی نبود که امام حساب آن را نکرده باشد، بلکه موافق برنامه‌ای بود که برای خواستهای آن مرحله ضرورت داشت و درحقیقت توضیحی بود که مردم از پیشوایان (ع) می‌خواستند و مسلمانان آن را ادراک می‌کردند و می‌دانستند که اینک مسأله، همان مسأله امام حسین (ع) نیست که با اخلاص برای حفظ اسلام جنگید و به شهادت رسید. بلکه مسأله بالاتر و بزرگتر از

این تصور بسیطی است که آنها دارند. و آن مسأله عبارت است از هدف و عقیده و رهبری و برنامه ریزی الهی که در وجود امام حسین (ع) تجلی یافته بود و اینک دوباره متجلی شده است. و چه بسا در دوره های گوناگون و نسلهای مختلف همچنان برقرار باشد و بروز کند. این مسأله، همان مسأله ای بود که ناگزیر باید ملت را به آن توجه می داد و به شکلی واضح و تفصیلی و دربرگیرنده، به او می فهماند تا او را عمیقا به حرکت درآورد و واقعیتی را که در آن زندگانی می کنند دگرگون سازد. دلیل این مطلب چیزی از این گویاتر نیست که امام باقر (ع) به خلیفه اموی وارد شد و خلیفه کوشید با استهزاء از امام (ع) پرسش کند و به او گفت: آیا تو فرزند ابو ترابی؟ و بعد سعی کرد او را خفیف گرداند. اما امام (ع) به این مسایل اهمیتی نداد بلکه در مجلس خلیفه به پای ایستاد و خطابه ای ایراد فرمود تا رهبری اهل بیت را توضیح دهد و مشروعیت آنان را در حکومت، آشکارا بیان کند. امام با دعوت خود و چنین آشکارا سخن گفتن ها و از گذرگاه این برنامه وسیع، و با رویارویی صریح با امت در هدفهای واضح، روزگاری نوین را مجسم کرد.

شهادت حضرت امام محمد باقر

امام محمد باقر (ع) پس از ۱۸ سال رهبری و ارشاد خلق، در حالی که از عمر مبارکش ۵۷ بهار گذشته بود، با قلبی آکنده از رضایت و خشنودی دعوت حق را لیبیک گفت و چشم از جهان فرو بست. در نخستین روز از ماه رجب سال ۱۱۴ هجری، خاندانش گرد بستر او جمع آمده بودند، امام باقر به فرزندش امام جعفر صادق وصیت کرد که او را در سه جامه کفن کند. یکی جامه نومی که در روزهای جمعه با آن نماز می خواند و دوم جامه ای دیگر و سوم یک پیراهن. او همچنین وصیت کرد که قبر را برای او بشکافند و افزود: اگر به شما گفته شود که برای رسول خدا لحد گذاشتند، بدانید که راست می گویند. آن حضرت وصیت کرد که قبرش را به اندازه چهار انگشت بالاتر از سطح زمین آورند و بر آن آب پاشند و از اموالش به قدری وقف کنند که زنان نوحه گر ۲۰ سال در منا نوحه گری کنند. پس از آنکه آن حضرت را شستشو دادند و کفن کردند، وی را به قبرستان بقیع آورده در کنار آرامگاه پدرش، امام زین العابدین (ع) و نیز در جوار قبر عموی پدرش، امام حسن مجتبی (ع) به خاک سپردند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

